

دارند، جناس شبه اشتقاقی نامیده می‌شوند؛ مانند واژگان «سینه، سینا و سینی» حال اگر گفته شود که در بدیع لفظی بحث از موسیقی واژگان است نه معنای آنها، در پاسخ می‌گوییم: بسیار خوب، همان گونه که در آغاز اشاره کردیم، عنوان برگزیده این بخش تناسبی با متن آن ندارد زیرا عنوان مزبور کرایش به تجانس واژگان از نظر معنوی دارد در حالی که متن آن، تجانس واژگان را از بعد موسیقی مورد مطالعه قرار می‌دهد. بنابراین باید عنوان «جناس اختلاف مصوت بلند و کوتاه» جایگزین عنوان «جناس اشتقاقی یا اقتضاب» شود تا تناقض موجود مرتفع گردد.

۱۲ - اسلوب الحکیم:

نویسنده درباره اسلوب الحکیم که یکی از صنایع معنوی است، می‌نویسد: «جمله‌ای را برخلاف مقصود گوینده حمل کنند و بنا به دریافت نادرست خود پاسخ دهند. اساس اسلوب الحکیم بر جناس تام است، لفظی در دو پاره از کلام به دو معنی مختلف به کار می‌رود؛ گفتمش باید بری نامم ز یاد

گفت آری می‌برم نامت ز یاد
فرصت شیرازی

مقصود گوینده این است که باید نام مرا زیاد بر زبان جاری سازی، اما مخاطب چنین وانمود کرده است که گوینده می‌گوید باید نام مرا فراموش کنی.

گفتی ز خاک بیشترند اهل عشق من
از خاک بیشتر نه که از خاک کمترین

«بیشتر» در مصراع اول به لحاظ تعداد و کثرت در مصراع دوم به لحاظ قدر و مرتبه به کار رفته است.» (ص ۷۶)

در این بخش اصل تعریف درست است اما آنجا که نویسنده می‌افزاید: «اساس اسلوب الحکیم بر جناس تام است.» اشکالی را پدید می‌آورد که این اشکال ناشی از آن است که نویسنده نتوانسته تکلیف بیت: گفتمش باید بری نامم زیاد

گفت آری می‌برم نامت ز یاد

را برای خواننده کتاب مشخص کند زیرا یک بار آن را به عنوان مثال و شاهد شعری برای جناس مرکب در

بخش بدیع لفظی می‌آورد و بار دیگر در بخش بدیع معنوی ضمن آوردن آن به عنوان شاهد شعری برای صنعت اسلوب الحکیم با این ادعا که: «اساس اسلوب الحکیم بر جناس تام است.» به طور کنایی بیت مزبور را دارای جناس تام معرفی می‌کند، اما همان گونه که در بخش جناس مرکب ثابت کردیم، این بیت فاقد جناس مرکب است. همچنین از جناس تام عاری است چرا که جناس تام عبارت است از:

اتحاد دو واژه در واک و اختلاف آنها در معنی. در صورتی که در بیت مورد نظر دو واژه که دارای چنین ویژگی باشند، وجود ندارد. کوتاه سخن این که بیت مزبور صرفاً می‌تواند مثالی خوب برای صنعت اسلوب الحکیم باشد و نه چیز دیگر. از سوی دیگر چون مثال دوم یعنی بیت:

گفتی ز خاک بیشترند اهل عشق من
از خاک بیشتر نه که از خاک کمترین

به سبب مفهوم جداگانه‌ای که واژه «بیشتر» در مصراع اول و دوم آن دارد، دارای جناس تام است، ضرورت دارد که جمله «اساس اسلوب الحکیم بر جناس تام است.» بدین شکل تغییر کند: «گاهی در کلام صنعت اسلوب الحکیم همراه با جناس تام است.» تا اشکال موجود بر طرف گردد. بنابراین لازم است که جمله‌ها و عبارتهای بخش اسلوب الحکیم از نظر واژگانی و مکانی تغییراتی اندک به شرح ذیل پیدا کنند: «اسلوب الحکیم آن است که جمله‌ای را بر خلاف مقصود گوینده حمل کند و بنا به دریافت نادرست خود پاسخ دهند؛ مانند بیت:

گفتمش باید بری نامم زیاد
گفت آری می‌برم نامت ز یاد

مقصود گوینده، این است که باید نام مرا زیاد بر زبان جاری سازی اما مخاطب چنین وانمود کرده است که گوینده می‌گوید: باید نام مرا فراموش کنی. گاهی در کلام صنعت اسلوب الحکیم همراه با جناس تام است. یعنی لفظی در دو پاره از کلام به دو معنی مختلف به کار می‌رود؛ مانند بیت:

گفتی ز خاک بیشترند اهل عشق من
از خاک بیشتر نه که از خاک کمترین
واژه «بیشتر» در مصراع اول به لحاظ تعداد و کثرت و در مصراع دوم به لحاظ قدر و مرتبه به کار رفته است.

پایمردی در برابر نسیان تاریخی

افسانه‌های خراسان

حمیدرضا خزاعی

انتشارات ماه جان، چاپ اول، ۱۳۷۹

انگار متأسفانه به مرور می‌رود تا نقش افسانه‌ها در پاس داشت فرهنگ خودی کم‌رنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر شود، و این همه به خاطر کم‌توجهی فرهیختگان و علاقه‌مندان به فرهنگ زاد بومی است. شاید این تصور نادرست هم که با رشد ادبیات داستانی جدید، دیگر افسانه و حکایت جایگاه اصلی خود را از دست داده است و نیازی به تکرار و جمع‌آوری آن نیست - در کنار رشد و گسترش وسایل ارتباط جمعی که با اندکی کوتاهی می‌تواند در جهت امحا فرهنگ شفاهی حرکت کند - در این میانه نقشی مکمل ایفا کرده باشد. اما باید دانست که در اروپا همواره پاس داشت افسانه‌ها و حکایات و باورهای عامیانه یکی از وظایف فوری و فوری و اندیشمندان و فرهنگ دوستان بوده است و اندکی تغلل را در این راه جایز ندانسته‌اند. البته کوشش‌هایی در این جهت گاه بی‌گاه از سوی برخی فرهنگ دوستان و دل‌سوختگان هویت ایرانی - اسلامی در ایران نیز دیده می‌شود که جای قدردانی دارد و در این آشفته بازار جایگاهی بسزا می‌یابد.

در این میان می‌توان به گردآوری افسانه‌های خراسان که به کوشش و پایمردی حمیدرضا خزاعی صورت می‌گیرد، اشاره کرد. ایشان به اهمیت کار گردآوری افسانه‌ها و صورتی مکتوب بخشیدن به آنها برای مصون ماندن از گزند نسیان تاریخی به خوبی واقف است و سال‌ها عمر خود را در این راه مصروف کرده است.

در مقدمه جلد اول آمده است که او قصد دارد برای افسانه‌های هر شهرستان استان خراسان دفتری جداگانه باز کند، از آنجا که شهرستان نیشابور به تنهایی چهار جلد اول این افسانه‌ها را به خود اختصاص داده، طبیعی است که این مجموعه حجمی در خور اعتنا می‌یابد و جایگاهی شایسته در امر فرهنگ‌شناسی و گردآوری فرهنگ عامه پیدا می‌کند. کار شایسته خزاعی آوردن برخی واژه‌ها با لهجه خاص محلی است تا از این طریق به فرهنگ عمومی فارسی نیز کمک کند. او برای این کار از آوانویسی و آوردن معنای واژه کمک گرفته است تا درک و فهم واژه‌ها برای غیر خراسانی‌ها آسان‌تر شود. این کتاب را انتشارات ماه جان مشهد به چاپ رسانده است.

محمدرضا گودرزی